

احسان الله (بیات) کیست ؟



توفصل یادگاري در سخاوت
تودشت بیکراني در شجاعت
به هرجا قصه ي از بینوایست
شتاباني توای مرد نجابت .

قال الله الحكيم : اما من اءعطى واتقى و صدق بالحسنی فسنیسره للیسری لیل : آیه 7- 5 –
اما هر کس عطا و سخاوت کرد و پرهیزکار شد و به نیکنوی تصدیق کرد، البته کارش را سهل و آسان می گردانیم.
قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لا یصلح لدينکم إلا السخاء و حسن الخلق .
صلاح و سازگاری دینتان جز با سخاوت و خوش اخلاقی نباشد.
شرح کوتاه: سخاوت از اخلاق انبیاء و ستون ایمان است و شعاع نور یقین است ، پیامبر فرمود (اولیاء خدا از جهت
فطرت و ذات سخی هستند) پس مؤمن برای شباهت به این فضیلت ، با همت عالی به بذل و بخشش آنهم در راه خدا به
مستحقان و خویشان و امثال اینها بپردازد.
بہتر است سخاوت تعلق بگیرد به چیزی که مورد علاقه انسان است . مانند خوردنیها و پوشیدنیها و اموال و... و در
عطاء هیچ منت بر قابل نگذارد و خود را همانند امانت دار ببیند که اینها از خداست و به اهلش می رسد و از بخل و نگه
داشتن امانات الهی دوری کند، که گذاشتن برای بعد از خود معلوم نیست نفعی داشته باشد و ورثه آیا بجا مصرف کنند یا
نه؟! برگرفته از نشریه غدیر.

شور انگیزترین شکوفه ها
در رویای سرکش خورشید
زخم سالیان ما را
در سبدي به وسعت دنیا
و به پهنای باورمان
در دشت آسمان خیال
پرواز میدهند...
ستارگان ، چادر شب را
به انتظار تو
در لفاي از مخمل سیاه
پیچانده اند.
و اینک ، تویی
که بر انگاره سیاه شب

سپیده را فریاد میکنی.

ای یار ، ای همیشه سبز

بیا ببین که دست نوازشگری در انتظار ماست؟؟؟

قال الله الحكيم : ان تبدوا الصدقات فنعمنا هی- بقره : آیه 270

اگر به مستحقان آشکار انفاق صدقات کنید کاری نیکوست.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله : تصدقوا و لو بتمره

صدقه بدهید اگر چه به يك دانه خرما باشد.

شرح کوتاه: صدقه دو نوع است : یکی در پنهانی که سیره ائمه بوده است و سبب دفع فقر و طولانی شدن عمر می شود و هفتاد نوع مردن بد را از زمین می برد و غضب رحمان را خاموش می کند . دیگر صدقه آشکارا است که موجب زیادی رزق می شود و پشت شیطان را می شکند . نکته مهم اینست که در صدقه کمیت و زیادی پول و لباس و خوراک معیار کمال نیست بلکه نیت خالص و کیفیت آن شرط کمال است. پیامبر گاهی که پول نداشتند صدقه بدهند لباس خود را می دادند و سفارش می کردند که روز خود را با صدقه شروع کنید که موجب بیمه شدن می شود. برگرفته از نشریه غدیر.

راستی این حقیقت چیست که ما آن را حتی از زبان پیر و جوان، از زبان مرد و زن، از زبان مردمان مختلف جهان و به زبان های گوناگون می شنویم اما گاه کمتر در باره اش می اندیشیم. از همان کودکی، پدر و مادرها به فرزندان خود می گویند که انسان باید دنبال حقیقت باشد، حقیقت را بگوید و زندگی حقیقی، دوستان حقیقی، عشق حقیقی و سعادت حقیقی داشته باشد. آدم از خود می پرسد اگر این حقیقت یک طرف باشد، چه چیزی باید محتوای آن را تشکیل بدهد که مردم دنیا با هر مسلک و مرام، با هر نژاد و فرهنگ با هر شرایط جغرافیایی، نه تنها آرزوی داشتنش را در سر ببروراند بلکه تلاش کنند تا در حد امکان و توان، به آن وفادار بمانند و از داشتن آن مغرور و مفتخر باشند. حتی حافظ از همین حقیقت حرف می زند اما به شکل زیرکانه ای چوب بر می دارد و برتن هفتاد دو ملت جهان می کوبد و مدعی می گردد که آن ها از جمله ای گم کردگان گوهر حقیقتند و گرنه چرا باید هریک بیان خاصی در معرفی آن داشته باشند و با یکدیگر به جدال برخیزند.

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه

چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند

حقیقت از آن گوهر هاست که همهی ملت های جهان، دوست دارند افتخار داشتن و یا نزدیک شدن به آن را از آن خود سازند. به نظر می آید که حقیقت در هر زبان و فرهنگی که به سراغش برویم، از چنان ارج و اعتباری برخوردار است که حتی رویان دروغ و دغل نیز، آرزومندند که در آن جامه ظاهر گردند تا اگر به دلیل نکرده کاری هایشان، اعتباری برای خود به دست نمی آورند، دست کم آن اعتبار دروغین دیرین را از کف نهند. حتی زمانی که انسان ها در مجادلات نوشتاری و کلامی خویش، حاضرند بسیاری از سختی ها را بر خود هموار سازند اما به نداشتن حق و یا فاصله داشتن از حقیقت متهم نشوند، بازتاب این نیاز شگفت انسان به این گوهر نادیدنی و لمس ناکردنی است. اگر کمی در سرزمین این تمایل به حق و حقیقت تأمل کنیم شاید دریابیم که بسیاری از انسان ها با همهی دغلی کاری ها و نادرستی های رفتاری، به کمی حرمت، به کمی اعتبار، به کمی محبت نیازمندند. می شود کمی گرسنه ماند، می شود کمی از سرما لرزید، می شود کمی در هوای گرم عرق ریخت و هیچ نگفت اما نمی شود انسان بود و از همه گونه ارزش انسانی در حضور دیگران خالی تصور شد. این درد را نه به سادگی می توان درمان کرد و نه می توان حتی با قرص مسکن آرامش ساخت. شاید که چشم اسفندیار آدمیان و یا پاشنه ی آشیل آنان همین نیاز غیر قابل انکار به تأیید دیگران و جلب حرمت و محبت آنان باشد. نزدیکی به حقیقت حتی در بافت کلام، ادعای داشتن حقیقت حتی در حرف، اگر چه برای مدتی کوتاه، می توان آن راز جادویی زندگی آدمی و نیاز عمیق او را بازگوسازد.

شاید این گفته ی یکی از فلاسفه ی چین با همین موضوع بی ارتباط نباشد که گفته بود: « این انسان است که به حقیقت ارزش می بخشد نه حقیقت به انسان » اما واقعیت آنست که هنوز انبوهی از انسان ها در این تصورند که این حقیقت است که به آن ها اعتبار و احترام ارزانی می دارد. و این، آن تضاد شگفت آوری است که زندگی انسان در همهی دوران های تاریخ از آن جدایی ناپذیر بوده است.

در روزگار ما کم نیستند کسانی که هنوز حقیقت ذهنی خویش را چنان مطلق می پندارند که هر پدیده ی دیگری را جز آن دروغ محض می دانند. هنوز ما در جهانی زندگی می کنیم که اختلاف بر سر باورهای ریز و درشت آدمها، موجب شکل گیری نفرت و کشتار در گستره ای به وسعت همهی جهان است. اعتقاد این گروه از انسان ها به يك دریافت محدود

و کم‌رنگ، زمینه‌ی ذهنی و رفتاری آنان را برای نپذیرفتن، هجوم‌بردن و به ویرانی کشیدن باورهای دیگران بسیار راحت‌تر ساخته‌است.

بااین اصل خواستم که حقیقت خدمات انسان دوستانه احسان الله بیات و کتمان حقیقت که از جانب چند اجنبی پرست پیرامون کمک‌های وطن دوستانه موصوف جریان دارد مکتبی مختصرنمایم .

گفته میشود که آقای بیات پول کشورهای خارجی را در افغانستان بمصرف میرساند . اگر فرض کنیم که این تبلیغات دقیق باشد ، پس صد آفرین و هزار رحمت خدا بروی بادکه پول خارجی هارا به مردم ستم‌دیده اش توزیع و گرسنگان را مدد و بیماران را یاری میرساند .

نه مانند مفتخواران و ماجراخوانان که پارچه نان دست یتیم و بیوه وطن را ربوده و خانه و کاشانه شانرا بخاک یکسان نموده است . زمانیکه من پای تلویزیون ، آقای بیات را میبینم که در مغاره های بامیان گرسنه ای را در آغوش میفشارد و یتیم بیوه ای را نوازش پدران نموده پول ، لباس ، اثاثیه منزل و آرد و روغن توزیع مینماید نمیتوانم از ریزش اشکم

جلوگیری نمایم .

توفصل یادگاری در سخاوت

تودشت بیکرانی در شجاعت

به هر جا قصه ی از بینوایست

شتابانی تو ای مرد نجابت .

از حاتم طائی سؤال کردند: از خود کریم تر دیده ای ؟ گفت : دیدم گفتند: کجا دیده ای ؟ گفت : وقتی در بیابان می رفتم به خیمه ای رسیدم ، پیرزنی در آن بود و بزغاله ای پشت خیمه بسته بود . پیرزن نزد من آمد و مرا خدمت کرد و افسار اسبم را گرفت تا فرود آمدم . مدتی نگذشت که پسرش آمد و با خوشحالی تمام از احوال من سؤال کرد . پیرزن پسرش را گفت : برخیز و برای مهمان وسایل پذیرایی را آماده کن ، آن بزغاله را ذبح کن و طعام درست نما . پسر گفت اول بروم هیزم بیاورم ، مادرش گفت تا تو به صحرا بروی و هیزم بیاوری دیر می شود و مهمان گرسنه می ماند و این از مروت دور باشد.

پس دو نیزه داشت آن دو را شکست و آن بزغاله را کشت و طعام ساخت و نزدم بیاورد.

چون تفحص از حال ایشان کردم جز آن بزغاله چیز دیگری نداشت و آن را صرف من کرد.

پیرزن را گفتم : مرا می شناسی گفت : نه ، گفتم : من حاتم طائی هستم ، باید به قبیله ما بیایی تا در حق شما پذیرایی کامل کنم و عطایا به شما بدهم!

آن زن گفت : پاداش از مهمان نگیریم و نان به پول نفروشیم ؛ از من هیچ قبول نکرد؛ از این سخاوت بی نظیر دانستم که ایشان از من کریم ترند . برگرفته از نشریه غدیر.

شکوه مکن دژم مشو یار ز راه می رسد

رنج فراق طی شود مهر به ماه می رسد

یوسف من مکن گله از غم و درد بی کسی

قافله پشت قافله بر سر چاه می رسد

ای به عزیزی آشنا بیم چه داری از بلا

هر که نترسد از خطر زود به جاه می رسد

غمزده از خزان مشو غنچه ز شاخه می دمد

نوبت بانگ بلبلان خواه نخواه می رسد

ناله ی بی سبب مکن شکوه ز تیره شب مکن

از سخنم عجب مکن وقت پگاه می رسد

های به غم نشستگان مژده دهم به خستگان

جانب دل شکستگان لطف خدا می رسد

پای بکوب و کف بزن عود بساز و دف بزن

شکوه مکن دژم مشو یار ز راه می رسد .؟؟؟

مادر حاتم طائی به نام(عتبه دختر عقیف) زنی بخشنده بود و تمام اموال خود را به مستحقان می داد. وقتی برادران او کار او را دیدند که اموال را به صدقات می داد، او را از تصرف دارائی خود بازداشتند و گفتند: اموال را تلف می نمائی و اسراف می کنی.

در مدت یکسال، او را چیزی ندادند، چون یکسال بگذشت گفتند: او از نداری رنج بسیار دیده، حالا بعد از این ممنوعیت در خرج کردن اموال معتدل و زیاده روی نمی کند.

یک رمه شتر را به او دادند تا از آن استفاده ببرد. در همان وقت زنی از (هوزان) که قبیله ای بزرگ بود، به خدمت مادر حاتم آمده و طبق گذشته از او اطعام و اکرام طلب کرد.

مادر حاتم همه آن رمه شتر را به او بخشید و گفت:

در این مدت (یکسال) رنج و بی مالی کشیدم، با خود عهد کردم هر چه بدست آوردم آنرا به صدقه به سائلان و مستحقان و محرومان عطا کنم! برگرفته از نشریه غدیر.

در کشور ما هر زمان که فرزند خدمتگاری از صدق و صفای قلبی اش کمر خدمت به میهن و التهام دردهای بی پایان مردم ستمدیده وطن بسته است سیه کاران سنگ دل، جفاپیشه گان ستم کار و مزدوران بیگانه صفت با هیاهوی دودمنشانه، با تبلیغات رذیلانه و با توطئه های نامردانه این دست های مهربان، این قلب های رووف و این قامت های استوار را شکستاده اند.

سه دهه میشود که افغانستان در آتش میسوزد، کشور به ویرانه تبدیل شد، مردم آواره و سرگردان از شهر به شهری و از کشور به کشوری در پی تهیه ی لقمه ی نان و زندگی شیاروزی سرگردان اند. اما دشمنان سوگند خورده وطن با گذشت هر روز در پی دسیسه و نیرنگ و در انتظار عروج قدرت، دست از هیچ جرم و جنایت دریغ نکرده و به سرمایه که از چور و چپاول دارائی مردم و ثروت میهن بدست آورده است می افزایند.

باشکست طالب و تروریستان بین المللی و استقرار حاکمیت در افغانستان انجینیر احسان الله «بیات» اولین شخصی بود که باشهامت بی نذیر افغانی، سرمایه اش را در کشور سرازیر و برای آبادی و بازسازی وطن جوان مردانه دست و آستین را بالا زد و درین راه نه تنها پیشگام و پیشقدم گردید بلکه با این اقدام وطنپرستانه، دیگران را نیز وادار به سرمایه گذاری نموده و الگویی شد برای همه سرمایه داران ملی و بین المللی.

اما با اندوه و درد که تعداد از ستمکاران باکتمان حقیقت خواستند که چهره این مرد با شهامت و این فرزند اصیل مردم افغانستان را لکه دار بسازند. با تبلیغات زهر آگین در اینجا و آنجا اتهامات گوناگون را به وی وارد نمودند تا این مرد باشهامت را از مسیر انسانی که انتخاب نموده است منصرف نمایند.

ولی این سیه دلان باید بدانند که به قول معروف نمیشود آفتاب را با دوانگشت پنهان کرد. و یا حقیقت که چون آینه در مقابل مردم قرار دارد، کتمان نمود.

بارها از طریق وسایل اطلاعات جمعی دیده و خوانده ایم که آقای بیات مردانه و سخاوتمندانه در گوشه گوشه کشور به داد مظلومین و محرومین شتافته و پول و سرمایه اش را سخاوتمندانه نثار این محتاجین و مستحقین نموده و از تک تک آنان بالبخند پدانه و با اراده مردانه استقبال نموده با آنان در یک کاسه غذا صرف نموده و تصویرهای یادگاری گرفته است.

احسان الله (بیات) در دایکندی، در مغاره های بامیان، در دشتهای سوزان قندهار، در سرمای کشنده غور و باغیس، در دره های سربلک کشیده کنر، در صحرای بی آب و سایه ی نیمروز، در مرز دور افتاده اسلام قلعه و خلاصه در دامان وادی های پامیر، هندوکوش، کوه بابا، سپین غرو همه نقاط کشور به مردم گرسنه نان و به بیماران دوا و درمان و بیمارستان، به دانش آموزان کتاب، کتابچه، قلم، لباس و مکتب، به مردم مسلمان ما مسجد و تکیه خانه، به فر هیخته گان کتاب و کتابخانه، به ورزشکاران میدان سپورتی، ورزشگاه ها و اثاثیه سپورتی، به زندانیان لباس و نان و به تشنگان بند آب و چاه آب ساخته و داده است.

بنیاد بیات در ماه مبارک رمضان به روزه داران فقیر و محتاج در کابل و یتیم خانه ها و زندانهای سراسر کشور افطاری تهیه و به روزه داران تقدیم مینمود تارضای خدا را از طریق رضای بندگان خدا بدست آورد.

بیات به سیلاب زدگان مرغاب مساعدت رساند و به مسافران جاده های یخبندان غذا و کمپل رساند.

بیات شخصاً در برف پاکی شاهراه سالنگ در سرمای منفی چهل درجه زیر صفر شرکت جسته و به مسافری کمک رسانده است. بیات در باز سازی کشور از سرمایه شخصی اش در دور افتاده ترین مناطق کشور به ساختن شفاخانه ها، مکاتب و مساجد پرداخته و حتی از سر پناه برای زنان بیوه و اطفال یتیم دریغ نکرده است.

احسان الله بیات در سال 1963 در شهر کابل متولد گردید.

موصوف تحصیلات اشرا در افغانستان به پایان رسانید و ابتداء فاکولته طب را به آرزوی اینکه داکتر طب شود تعقیب نمود، ولی در عوض عازم امریکا گردید و در آنجا تحصیلاتش را در رشته انجینیری به پایان رساند. از آنجائیکه خانواده بیات در افغانستان صاحب نفوذ شایانی در امور تجاری بود، همین دلیل باعث گردید تا وی نیز برای آینده خود را آماده ساخته و توانست خود را بحیث یک متشبهت موفق در شهر نیویارک امریکا تثبیت نموده و نقش فعلی اشرا در صنعت مخابرات افغانستان بخوبی ایفا نماید.

بدین ترتیب، شرکت مخابراتی افغانستان بیسیم در سال 2001 به اساس نظر و تعهد احسان الله بیات که زادگاهش را در سال 1980 ترک و عازم امریکا شده بود، ایجاد گردید.

در طول جنگ های دهه اخیر در کشور، آقای بیات احساس عظیمی برای دریافت طرق کمک به مردم افغانستان داشت.

این احساس و انگیزه باعث شد که آقای بیات بتواند بهترین خدمات مخابراتی را به مردم افغانستان فراهم سازد، که این خدمات نه تنها ارتباط دهنده افغانستان و جهان است بلکه باعث رشد اقتصادی کشور نیز میگردد. احسان الله بیات، یک تجار موفق در امریکا، در سال 2001 میلادی زمانیکه در افغانستان مرحله نوین انکشاف و بازسازی آغاز گردید، به فکر تحقق رویاهایش مبنی بر پیوند مجدد افغانستان با جهان وسیعتر افتاد. الی ماه دسمبر 2001 میلادی شرکت وی در امریکا بنام Telephone Systems International, Inc در جستجوی فروشندگان تجهیزاتی گردید که علاقمند اعمار یک سیستم تلفون در کشوری باشند که تازه از دو دهه جنگ سر بیرون آورده بود.

افغان بیسیم برای آغاز فعالیتهاش با مشکلات لوژستیک، بی ثباتی سیاسی، بی امنیتی و چالشهای محیطی مقابله نمود. علی الرغم مشکلات و سختی ها، بتاريخ 6 اپریل 2002 میلادی حامد کرزی شبکه GSM را با یک صحبت تلفونی بین المللی به کشور جرمنی، افتتاح نمود. فعالیت سیستم فقط در ظرف هفت هفته پس از رسیدن اولین تجهیزات آغاز شد. در کمتر از چهار سال فعالیت، افغان بیسیم موفق شد تا حدود 400000 مشترک را به شبکه خود جلب نماید، که این همه از برکت کیفیت عالی تجهیزات، زیر بنا و تکنالوژی آن است.

تجهیزات اضافی شبکه برای توسعه و افزایش ظرفیت شبکه جهت جلب مشترکین بیشتر، در سال 2006 میلادی با آن وصل میگردد. شبکه ی آریانا که به حمایت مالی بنیاد بیات راه اندازی گردیده است.

بنیاد بیات یکی از نهاد های خیریه است، که در فقر زدایی در افغانستان کوشش هایی داشته است. همچنان وی ریاست عمومی تلویزیون آریانا را نیز بعهده دارد که بادعوت از هنرمندان مهاجر در داخل کشور، گل لبخند را بر لبان هموطنانش مینشانند.

رادیو- تلویزیون آریانا، که دو شبکه به نامهای شبکه رادیو- تلویزیون آریانا، و شبکه جهانی آریانا دارد و از کابل نثرات میدهد. این شبکه نیز خصوصی میباشد. آریانا آهنگ ها، فلم ها و سریال هندی نشر مینماید. موضع آریانا در قبال حکومت نرمتر بوده و اتکاء آن بیشتر روی برنامه های سیاسی است.

اخبار آریانا نسبتاً بیننده زیادی دارد و این شبکه در برنامه های آموزشی مانند، آموزش کمپیوتر، آموزش زبان آموزش موسیقی و برنامه کودک پیشگام تر و مبتکرتر از دیگر شبکه ها بوده است. آریانا درین مدت فراز و نشیب های زیادی را از سر گزارنده است. حقیقت، گلبرگها، سرک بی سر، سریال هندی " حنا " و اخبار ساعت هشت این شبکه از جمله های برنامه های پر بیننده این شبکه میباشد.

پالیسی آریانا در قبال زبانهای دری و پشتو در برنامه ها همواره مساویانه بوده است و از همین لحاظ در ولایات پشتون نشین کشور و در بین مهاجرین افغان در پاکستان بینندگان زیادی دارد. آریانا در دعوت از هنرمندان افغان مقیم خارج از کشور و راه اندازی کنسرت های آنان شهرت خاص دارد.

در ضمن این شبکه تلویزیونی همکار رسانه ای شرکت افغان بیسیم (یکی از شرکتهای سرمایه گذاری خصوصی آقای بیات) و بنیاد بیات میباشد. گفتنی است شبکه جهانی آریانا که عین برنامه های شبکه داخلی را روی ماهواره در اروپا و آمریکای شمالی به نشر میرساند، در غرب علاقه مندان زیادی دارد. آریانا را خیلی ها به دلیل رعایت مسایل دینی و مذهبی (برنامه های دینی، تلاوت قرآن کریم، اذان) تلویزیونی میدانند که با ارزش های اسلامی و دینی افغانستان همخوانی دارد.

احسان الله بیات رئیس این شبکه سیاست نشراتی شان را تقویت وحدت ملی، برادری، رشد افکار عمومی، آگاهی دینی، تقویت سنت های مردم، آموزشی، تفریحی و علمی دانسته و تاکید نمود که ما می خواهیم بهترین ها را ارائه کنیم. در تظاهرات جوزای سال گذشته مظاهره کنندگان به تلویزیون آریانا حمله و قسمتی از آن حریق و موتر ضد گلوله احسان اله بیات را به یغما بردند، موسسه مابن پاکي چور و موسسه پاملرنه حریق و چور می گردد. تلویزیون آریانا صحنه های حمله به دفتر شان و چور و چپاول را مستقیماً پخش نموده از پولیس تقاضای کمک نمودند ولی پولیس اقدامی برای کمک نکرد تا اینکه کارکنان دفتر خود به دفاع پرداخته مانع ورود حمله کنندگان جمعیتی به داخل دفتر شدند. تلویزیون آریانا دو تن را دستگیر نموده بودند که بعد برادر یکی از مقامات بلند پایه کشور شخصاً با تفنگچه تهدید کرده آندو را نجات داد. این تلویزون فلم این صحنه را نیز در اختیار دارد.

پسر ی نزد پیامبر آمد و گفت : ای پیامبر خدا پدرم از دنیا رفته و خواهر و مادر هم دارم ، آنچه خداوند به شما عنایت فرموده به ما کمک کن.

پیامبر به بلال فرمود: برو به خانه ما گردش کن هر چه غذا پیدا کردی بیاور.

بلال به حجره هایی که مربوط به پیامبر صلی الله علیه و آله بود آمد و پس از جستجو بیست یک خرما پیدا کرد و به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آورد.

پیامبر به آن پسر فرمود: هفت عدد آن مال خودت ، هفت عدد مال خواهرت و هفت عدد مال مادرت باشد. در این هنگام یکی از اصحاب بنام معاذ دست نوازش بر سر آن یتیم کشید و گفت : خداوند تو را از یتیمی بیرون آورد و جانشین پدرت سازد!

پیامبر به معاذ فرمود: محبت تو نسبت به این یتیم را دیدم ، بدان که هر کس یتیمی را سرپرستی کند و دست نوازش به

سر او بکشند، خداوند به هر مویی که زیر دست او می گذرد، پاداش شایسته ای به او می دهد و گناهی از گناهان او را محو می سازد و مقام او را بالا می برد. برگرفته از نشریه غدیر.

ترا طالع و بخت ارزنده باشد
سखाوت هاي تو پاينده باشد
نوازش كردي مردم وطن را
دلت خوش ولبت پر خنده باشد.

هستي هم چنان تو را غرق در برکت مي كند .
هر آنچه مي دهی، هزار برابر باز پس مي گيري; يك گل هديه مي كني و با هزار گل گلباران مي شوي. ..اگر مي خواهي
دنياي دروني سرشاري را داشته باشي، هنر سخاوت بياموز.

موسسه خيريه بنياد بيات در سال ۱۳۸۲ در افغانستان شروع به فعاليت نموده و برای اطفال يتيم ، مهاجرين و مكاتب در مركز و ولايات کشور کمک مينمايد .

بنياد بيات تاکنون هزاران جلد کتاب مختلف را به کتابخانه های رياست جمهوری ، شوراي ملي ، پوهنتون کابل ، پوهنتون ولايات مساعدت نموده است . بنياد بيات در پلان دارد که یک کتابخانه عصري را در مقر رياست جمهوری ايجاد نمايد. بنياد خيريه بيات به تعداد دو هزار جلد کتاب به کتابخانه شوراي ملي کشور مساعدت نمود. موسسه خيريه بنياد بيات و شرکت مخابراتی افغان بیسیم هزاران عدد سیم کارت و سیم موبایل را برای پولیس وزارت داخله کمک نمود . انجنیر احسان الله بیات رئیس موسسه خيريه بنياد بيات گفت : چون تامین امنیت وظيفه پولیس ملی بوده و یکی از اولويت های زندگی مردم ما میباشد بنیاد این کمک به پولیس کشور را نیز در اولويت کاری خود قرار داده است . به گفته وی ، هدف اصلی این بنياد خدمت برای وطن و کسانی است که در شرایط دشوار فعلی جان خود را به خطر انداخته و جهت تامین امنیت اجرای وظيفه می نمایند . سنگ تهادب تعمیر لیلیه دخترانه پوهنتون بامیان، از سوی بنياد بيات در حالی گذاشته شد که قرار است به زودی ، سنگ تهادب یک باب شفاخانه پنجاه بستر زنانه در ولايت دايکندي نیز ، از سوی این بنياد گذاشته شود. این لیلیه به مصرف هفده میلیون افغانی در دشت عیسی خان بامیان جایی که ماستر پلان جدید شهر بامیان تطبيق میشود، در ظرف یکسال به طور پخته و اساسی اعمار میشود. احسان الله بیات رئیس بنياد بيات گفت که لیلیه از طرف زنان بنياد بيات، برای محصلین نسوان پوهنتون بامیان ساخته میشود و هزینه آن هم، از سوی آنها اهداء شده است .

همزمان با تهادب گذاری لیلیه ، چهار حلقه چاه عمیق در ولسوالی سیغان و یک حلقه در مرکز بامیان نیز، از سوی بيات افتتاح شد که مشکل آب آشامیدنی، صد ها خانواده را رفع می کند.

همچنان سنگ تهادب یک باب شفاخانه ۵۰ بستره زنانه در نیلی مرکز ولايت دايکندي با کمک مالی بنياد بيات گذاشته شد. در اعلامیه این بنياد گفته شده که زنان و اطفال در این شفاخانه، تحت تدای قرار خواهند گرفت و این اولین شفاخانه، برای حدود چهارصد هزار تن نفوس این ولايت خواهد بود. چون مردم دايکندي از نگاه سیستم ترانسپورتی مشکلات دارند، آنها ادويه مورد ضرورت مريضان بی بضاعت را نیز مهیا خواهند ساخت.

ساختن شفاخانه ، مکتب ، مساجد در گوشه گوشه کشور بصورت متوازن بدون تبعیض ، توزیع لباس گرم و وسایل درسی به شاگردان مكاتب ، يتيم خانه ها ، تهیه غذای افطاری در ماه مبارک رمضان در بسی نقاط کشور ، تجهيز لیلیه دانشگاه کابل ، اعزام حجاج مصیبت دیده ناشی از حملات انتحاری دشمنان وطن به بیت الله شریف ، کمک نقدی به مسحقین و کمک در اعزام تیم های سپورتی به خارج کشور و ...

سنگ تهادب یک استدیوم ورزشی در ولايت پروان که این استدیوم ورزشی فوتبال در ولايت پروان با کمک بیش از دوصد هزار دالر بنياد خيريه بيات در شهر چاریکار، مرکز ولايت پروان ايجاد می شود. این استدیوم در مساحت 9 جریب زمین و گنجایش بیش از دو هزار تماشاچی با استندردی که یک استدیوم به آن نیاز دارد، در ظرف شش ماه آینده ساخته خواهد شد. احسان الله بیات، رئیس بنياد بيات در مراسم تهادب گذاری این استدیوم گفت که این دومین استدیومی است که بعد از استدیوم ورزشی لیسه حبیبیه کابل ساخته می شود. بيات علاوه کرد که هدف آن ها از این کار، بلند بردن ظرفیت ورزش در کشور است.

همچنان مسابقه بایسکل رانی در کابل و ولايات قندهار ، بلخ ، ننگرهار ، هرات و تخار از طرف بنياد بيات راه اندازی شد. برای قهرمان مقام های اول علاوه از کپ ، چک پنجاه هزار افغانی ، یک چین بایسکل ورزشی ، برای مقام دوم کپ ، ۲۵ هزار افغانی یک چین بایسکل ، برای برنده های مقام سوم مبلغ ۱۰ ، ۱۰ هزار افغانی و یک چین بایسکل ورزشی اعطا گردید. برای ده تن از بایسکل سوران انات و چهل تن از بایسکل رانان ذکور علاوه بر این که از طرف بنياد بيات یک چین بایسکل داده شد از طرف دیگر یک چانس بخت حساب نیز به طور جایزه توزیع گردید .

به هنگام سختی نشو نا امید

که از ابر سیه بارد آب سفید

در چاره سازی به خود در میند
که بسیار تلخی بود سودمند
نفس به که امید یاری دهد
که ایزد خود امیدواری دهد
گره بر میاور به ابروی خویش
در آینه فتح بین روی خویش (نظامی گنجوی)

ابن عباس گوید: روزی برای پیامبر صلی الله علیه و آله سیصد اشرفی ، هدیه آورده بودند که حضرتش به امیرالمؤمنین عطا کرد. علی آن را گرفت و فرمود:
قسم به خدا، هر آینه این وجه را تصدق می کنم که خداوند از من قبول فرماید - بعد از چندی فرمود: چون شب نماز عشا را به جا آوردم ، صد اشرفی برداشتم و از مسجد بیرون آمدم زنی را ملاقات نمودم . آن را به او دادم ، چون صبح شد مردم به یکدیگر می گفتند: علی علیه السلام دیشب ، صد اشرفی به زن زناکاری تصدق داده است و من نگران شدم ، شب بعد صد اشرفی دیگر را برداشتم ، بعد از نماز عشا از مسجد خارج شدم و گفتم : به خدا قسم که امشب صدقه می دهم این را که خداوند قبول نماید. پس ملاقات کردم مردی را و آن وجه را به او دادم ، چون روز شد، اهل مدینه اظهار داشتند که علی علیه السلام صد اشرفی به شخص دزدی داده است و من بی نهایت افسرده خاطر شدم شب سوم صد اشرفی دیگر را برداشتم و گفتم : به خدا قسم ، هر آینه صد اشرفی صدقه خواهم داد به کسی که خداوند قبول نماید. بعد از نماز عشا از مسجد بیرون رفتم و به مردی برخورددم و صد اشرفی را به او صدقه دادم ، صبح که شد اهل مدینه گفتند: دیشب علی علیه السلام به مردی غنی و مال داری صد اشرفی داده و من به ظاهر اندوهگین شدم. به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و ایشان را از قضایا اطلاع دادم . فرمود: یا علی! جبرئیل می گوید: خدای تعالی صدقات تو را قبول فرمود و عمل تو را پاکیزه دانست . صد اشرفی که شب اول به زن بدکاره دادی ، چون به منزل خود برگشت ، به سوی خدا توبه کرد و از اعمال فاسد خود دست کشید و آن اشرفی ها را سرمایه قرار داد و در طلب آن است که شوهری اختیار نماید. صد اشرفی شب دوم ، به دست دزد رسید، وقتی به خانه خود رفت از کار خود توبه و آن وجه را سرمایه کار قرار داد تا کسب نماید. صد اشرفی شب سوم ، به دست پول داری رسید که سالها زکات خود را نداده بود، به منزل خود رفت و خود را سرزنش کرد و به خود گفت : چقدر پست هستی که زکات واجب چند ساله را نمی دهی و مخالف حکم خدا می کنی ولی علی بن ابی طالب با آنکه دارای مالی نیست صد اشرفی به تو داده ، پس حساب زکات چند ساله را از اموال خود بیرون کرد و داد.
خداوند به سبب این عمل این آیه را در فضیلت علی علیه السلام نازل فرمود : پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا غافل نگرداند ناز بپا داشته و زکات فقیران بدهند و از روزی که دل و دیده ها در آن روز حیران و مضطربند ترسان و هراسانند برگرفته از نشریه غدیر.